

حکم فقهی مبارزه با اسراف در راستای تقویت اقتصاد

محمدباقر بصیری*

چکیده

پژوهش حاضر تحت عنوان اسراف و تبذیر تدوین شده است. بدون شک اسراف و تبذیر با رویکرد فقهی، بزرگ‌ترین مانع رشد و توسعه‌ی اقتصاد است. اسراف به معنای خارج شدن از حد اعتدال در هر چیزی که انجام می‌دهد، می‌باشد. اسراف به دلایل اربعه (کتاب، سنت، اجماع، عقل) حرام است و شکی نیست که فقها آن را از گناهان کبیره محسوب نمودند. معیار اسراف در نظام اقتصادی اسلام، حکم شرعی، حکم عقلی و عرف جامعه است. مبارزه با اسراف در نگرش فقها در راستای تقویت نظام اقتصادی اسلام در دو حوزه‌ی بین‌الملل و داخل کشورهای اسلامی متمرکز شده است. ۱. قلمرو بین‌الملل، مبارزه با اسراف باعث حفظ قدرت، توسعه‌ی اقتصاد و نفی استعمار می‌شود. ۲. مبارزه با اسراف، در حوزه‌ی داخلی کشورهای اسلامی نیز به دو بخش اجتماعی و فردی تقسیم شده است که فقها برای جلوگیری از زیان‌های گوناگون اسراف، در محور اجتماعی راه‌های کاربردی را در نظر گرفته‌اند؛ مانند: (نقش مسئولین در مبارزه با اسراف، مقابله با بیکاری و اتلاف عمر، مدیریت قوی و ارائه الگوی صحیح مصرف، گنجاندن الگوی مصرف در آموزش و پرورش، جذب کارگزاران صالح، قطع رابطه با اسراف‌کاران، الگوی ساده زیستی، تربیت و نظارت خانوادگی، وظیفه مادر برابر ثروت‌آیندگان،

* دانش‌پژوه جامعه‌المصطفی العالمیه.

امر به معروف و نهی از منکر) ارائه شده است. مبارزه با اسراف از دیدگاه فقها، در حوزه‌ی فردی، به چند امر اختصاص یافته‌اند. مثل ایمان، رضایت خداوند، تقوای الهی، مواسات و همدردی با فقرا، قناعت، مجازات اسراف‌کاران، اسراف زمینه‌ساز گناه. این‌ها عواملی هستند که زیان‌های اسراف را سد می‌کنند و این روش و منش‌ها در راستای تقویت نظام اقتصادی اسلام است. کسانی که درگیر اسراف هستند و از آن اجتناب نمی‌کنند، قرآن صراحتاً آثار و پیامدهای اسراف را بیان فرموده است: (اسراف‌کاران برادران شیطان‌اند، هلاکت یافتگان‌اند، خداوند دوست ندارند، اهل دوزخ‌اند، مورد هدف سنگ‌های عذاب آسمانی هستند، خداوند هدایت نمی‌کند، مانند فراموش‌کنندگان یاد خدا هستند، طاغوتیانی همانند فرعون می‌باشند.)

کلیدواژه: حکم فقهی اسراف، تذبذب، مبارزه با اسراف، اعتدال، پیامدهای اسراف.

مقدمه

با توجه به اینکه پیرامون اقتصاد مقالات متعدد و از زوایای گوناگون تدوین شده است، اما این پژوهش با نگاه کاملاً نو به این مباحث پرداخته است.

اقتصاد از دیدگاه فقهای اسلام مانند خون سالم در رگ‌های بدن انسان است که باعث کار و فعالیت و عدم وابستگی او در زندگی می‌گردد. اگر نارسایی در جریان خون پیدا شود یا آلوده گردد، یقیناً تمام اعضای بدن بیمار می‌شود و ممکن است همان عضو را از کار بیندازد و برای همیشه محتاج و نیازمند سازد. اهمیت اقتصاد همانند خون سالم در بدن انسان است. در موازات آن اسراف و زیاده‌روی در اقتصاد مانند ویروسی است که جامعه را بیمار می‌کند و آسیب‌های جبران‌ناپذیری به پیکر جامعه و فرد وارد می‌کند. البته اسلام که مکتبی برای سعادت بشر است، اسراف را همیشه امری ناپسند می‌شمارد و پیروانش را به اعتدال و میانه‌روی توصیه نموده است؛ چون جامعه‌ی سالم در گرو اقتصاد سالم است.

دستیابی به موفقیت در عرصه‌های گوناگون، با رواج مصرف صحیح در جامعه انجام می‌شود و این اراده‌ی مردمی با فرهنگ‌سازی و تلاش همه‌جانبه، استمرار می‌یابد تا مشکلات ناشی از محدودیت منابع، کمترین تأثیر منفی را در جامعه بگذارد.

کلیات و مفاهیم

الف - مفاهیم

معنای لغوی و اصطلاحی فقه

۱-۱: اهل لغت، «فقه» را به «مطلق فهم»، (سعدی ابو جیب، ۱۴۰۸: ۲۳۸) «موشکافی، ریزبینی و فهم دقیق» معنا کرده‌اند. (عسکری، ۱۴۲۷: ۴۱۲). ولی بعضی از اهل لغت، به جای فهم دقیق از واژه «ادراک دقیق» استفاده نموده است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۳۳) در لسان العرب می‌گوید: «به دلیل شرافت علم دین بر سایر علوم، «فقه» در معنای علم دین غلبه پیدا کرده است». (محمدبن منظور، ج ۱۰)، (۱۴۰۸: ۳۰۵). برخی «فقه» را به «دست یافتن به علم پنهان که به وسیله علم آشکار می‌شود» معنا نموده است. (الراغب الاصفهانی، بی- تا: ۳۹۸).

۱-۲ فقه در اصطلاح: واژه‌ی «فقه» در اصطلاح فقها عبارت است از: «علم به احکام شرعی و فرعی که از دلیل‌های تفصیلی به دست می‌آید.» (شهید اول، ج ۱)، (۱۴۱۹: ۴۰) و استنباط حکم از ادله‌ی تفصیلی که با دقت فهم و با کسب اطلاع از متخصصان، چنین مقامی را می‌یافتند «فقیه» یا «مجتهد» نامیده‌اند. (مدیر شانه‌چی، ۱۳۹۱: ۱۸) مفسرین بیان کرده‌اند: فقه در عرف به دانستن احکام شرعی اختصاص پیدا کرده و هرکسی که عالم به احکام شرعی باشد، «فقیه» گفته می‌شود. (الطبرسی، ج ۶)، (۱۳۷۹: ۸۳).

اسراف در لغت و اصطلاح

۱-۲ اسراف در لغت: از سرف در لغت به معنای «تجاوز کردن از قصد و میانه‌روی» است (محمد بن مکرّم، ج ۹، ۱۴۲۴: ۱۴۸) که «مخالف و نقیض اقتصاد» (الفراهیدی، ج ۷)، (۱۴۲۴: ۲۴۴) و از «حد گذشتن» در هر کاری است. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۴۰۷) خوردن چیزهای که در فقه اسلامی و یا انفاق در غیر رضای خدا باشد، اسراف گفته می‌شود. (طریحی، ج ۵، ۱۳۶۵: ۶۹)

۲-۲ اسراف در اصطلاح: کلمه‌ی اسراف، خارج شدن از حدّ اعتدال در هر کاری است. گرچه اصطلاحاً در مورد پول اطلاق می‌شود. (طباطبایی، ج ۴، ۱۳۹۰: ۲۷۶) برخی اسراف را به هرگونه اتلاف بیهوده (وقت، مال و هر چیزی دیگری) باشد اسراف تعبیر کرده است. (مکارم شیرازی، ج ۶، ۱۳۵۳: ۱۴۹)

۳-۲ در جهان‌بینی اسلام، خدای خالق مالک حقیقی جهان هستی است، انسان تنها مخلوق مختار و مسئول خداست که خودش سرنوشت خویش را با اختیار و انتخاب می‌سازد و در برابر جسم، جان، طبیعت و هموعانش مسئول می‌باشد و نعمت‌های او را در (تولید، توزیع و مصرف) به میانه‌روی به منفعت و دیگران صرف کند. امام علی (ع) می‌فرماید: «مَا عَالَ مَنْ اُقْتَصَدَ؛ کسی که میانه‌روی کند، تهی دست نخواهد شد». (وَرَامَ بَنَ اَبِي فِرَاسٍ، ۱۴۱۰: ۲۳۰) در غیر این صورت اسراف‌کاری و تجاوز به حدود خدا و حقوق الناس است. (ایرانی، بی‌تا: ۳۶)

تبذیر در لغت و اصطلاح

۱-۳ تبذیر در لغت:

از ماده‌ی بذر به معنای «بریز و پاش بیهوده» در راه فساد و حرام است، ولی اسراف به معنای «زیاده‌روی از حد اعتدال» می‌باشد. (طریحی، ۱۳۶۵: ۲۱۱)

۳-۲ اسراف و تبذیر در اصطلاح

امام صادق (ع) فرمودند: «مَنْ أَنْفَقَ شَيْئًا فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ فَهُوَ مُبَدَّرٌ» کسی چیزی را در راه حرام مصرف کند، تبذیر کننده است.» (مجلسی، (ج ۷۲)، ۱۴۰۳: ۳۰۲) گاهی اسراف و تبذیر در یک جا جمع می‌شوند. حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «أَنَّ اعْطَاءَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَ اسْرَافٌ؛ دادن مال در راه که شایسته آن نیست تبذیر و اسراف است.» (امینی، (ج ۸)، ۱۴۲۰: ۳۴۷).

فرق بین تبذیر، تقطیر و تدبیر

فرق بین این واژه‌ها، در کلام امام صادق (ع) روشن می‌گردد: «روایت شده که مردی از امام صادق (ع) پرسید اندازه‌ی تدبیر، تبذیر و تقطیر چیست؟ حضرت فرمودند: تبذیر این است تمام مالت را تصدق دهی، تدبیر آن است که قسمتی از مالت را انفاق کنی، تقطیر این است که چیزی از مالت را تصدق ندهی. عرض کرد بیشتر بفرمائید ای پسر رسول خدا! حضرت فرمود که پیامبر یک مشت خاک از زمین برداشت سپس انگشتان خود را باز کرد، بعد مُشْتَش را باز کرد خاک‌ها روی زمین ریخت چیزی در دست حضرت نماند. فرمود: این تبذیر است، پس از آن مُشْتی دیگر برداشت انگشتانش را باز کرد قسمتی از خاک‌ها ریخت، قدری هم باقی ماند. فرمودند: این تدبیر است. بعد مشت دیگر برداشت دستش را محکم بست به طوری که چیزی از آن خاک به زمین نریخت سپس فرمود: این تقطیر می‌باشد.» (دیلمی، (ج ۱)، ۱۳۷۷: ۳۳۴) و (فیض کاشانی، (ج ۴)، ۱۴۱۵: ۲۴)

تفاوت اسراف و تبذیر

اسراف؛ بر خارج شدن از حدّ اعتدال دلالت دارد، بدون آن که مالی یا چیزی را ضایع کرده باشد. (حسینی اصفهانی، ۱۳۹۰: ۲۰۸) اما تبذیر آن است که به گونه‌ای مصرف کنیم که

موجب اتلاف و تضییع چیزی گردد. البته در برخی موارد دو واژه‌ای تبذیر و اسراف برای تأکید همدیگر آمده‌اند. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «دادن مال در راه که شایسته آن نیست تبذیر و اسراف است.» (امینی، ج ۸) (۱۴۲۰: ۳۴۷). در نتیجه تضییع مال به هر صورت که باشد چه دور ریختن یا مصرف بیش از حد اعتدال باشد. در آموزه‌های اسلامی اسراف و تبذیر است. (مطهری، ج ۲)، (۱۳۸۰: ۲۴۵).

ب- کلیات

مبارزه با اسراف و تبذیر با رویکرد فقهی نیازمند معیار و ملاک صحیح است.

معیار اسراف و تبذیر

حرمت شرعی

اگر معصیت بدون صرف مال باشد، اسراف است که تجاوز از دستورات دینی است و اگر مالی هم خرج شده باشد، علاوه بر معصیت، تبذیر و اسراف اقتصادی نیز هست؛ لذا بعضی لغت‌شناسان، مفسران و فقها آن را به «خوردن مال حرام» و یا به «تجاوز از حلال به حرام» معنی کرده‌اند. (الفاضل المقداد ج ۲)، (۳۵۸)

حکم عقل و معیارهای عقلی

عقل به زشتی اتلاف مال حکم می‌کند و تجاوز از آن را نوعی سفاهت و جهالت می‌شمارد. مرحوم طبرسی در توضیح آیه شریفه «كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا» می‌فرماید: هر انفاق و مصرف مالی که عقل آن را زشت شمرد و به صاحبش ضرر رساند، اسراف و حرام است. (طبرسی، ج ۴)، (۱۳۹۲: ۶۳۸). (انصاری، ۱۳۷۹: ۵۴)

عرف جامعه

یکی از معیارهای تعیین‌کننده «حدّ» در اسراف عرف جامعه است. از کلام فقها استفاده می‌شود: کسانی که مال را تلف و ضایع کنند. (نراقی، ۱۴۱۷: ۶۳۲) اضافه از نیاز باشد. (الحرالعاملی (ج ۲۱)، ۱۴۰۸: ۵۵۵، ب ۲۶) صرف مال زائد بر لایق فرد مصرف شده و عرفاً حرام است. (الحرالعاملی (ج ۵، ص ۲۲، ب ۹) یا مال را در جای مصرف کند که آن فعل غرض عقلایی نداشته باشد مثل نقاشی کردن مسجد بازهم حرام است. (مستند العروة الوثقی (ج ۲)، ص ۲۳۹)

راه‌های مبارزه با اسراف در فقه

چینش بحث در دو بُعد مبارزه با اسراف‌گری در حوزه‌ی بین‌المللی و حوزه‌ی داخلی کشورها قابل بررسی است. ولی قاعده‌ای کلی در مورد اسراف و تبذیر از سه حال بیرون نیست: «امام صادق (ع): می‌فرماید: «از خدا بترس و نه زیاده‌روی کن و نه تنگ‌نظری و میان این دو، حالتی «قوامی» (معتدل و کفافی) داشته باشید. (و بدان که) تبذیر (خرج‌های بیهوده و برخلاف) نیز نوعی اسراف است، خداوند فرموده است: لا تُبَدِّرْ تَبْدِيراً - به هیچ‌روی تبذیر مکن؛ خدا کسی را که میانه‌رو است، عذاب نمی‌کند.» (حکیمی، (ج ۴)، ۱۳۸۰: ۳۱۱)

بخش اول: مبارزه با اسراف در حوزه‌ی بین‌المللی

در این بخش؛ مبارزه با اسراف دایر مدار نفی سلطه‌ی کفار بر مسلمین و نه پذیرفتن استعمار است.

الف - رابطه‌ی قدرت و اسراف

امروزه در ادبیات سیاسی جهان، کشورهای حرفی برای گفتن دارند که قدرت داشته باشند. زیربنای قدرت اقتصاد کشورهاست. پس قدرت وابسته به اقتصاد است و اقتصاد با عدم اسراف

و تذبذب رابطه‌ی تنگاتنگ دارد. اگر اقتصاد ضعیف شود کشور اسلامی وابسته به بیگانگان می‌شود و از اقتدار اسلام کاسته می‌شود، البته منظور از ضعف اقتصادی پایین بودن تولید است نه فقر. (شکراللهی، ۱۳۸۸: ۶۹) نمونه‌ای بارز آن را در جمهوری اسلامی ایران می‌بینیم که تمام قدرت‌های سلطه‌گر جهان دست به دست هم داده‌اند و ایران را تحریم کردند تا قدرت او را ضعیف و ناتوان و اقتصاد ایران را فلج کند؛ اما غافل از آن که در رأس این کشور؛ فقیه فرزانه «امام خامنه‌ای مدظله‌العالی» قرار دارد که تمام توطئه‌های دشمن را به موقع خنثی می‌کند و راه‌های نفوذ دشمن را سد می‌کند. البته اوج فشار اقتصادی، در سال ۱۳۸۸ بود که با فشار حداکثری تحریم اقتصادی، می‌خواست ایران را مجبور کند که از آن‌ها تبعیت نماید. در این برهه از زمان، امام خامنه‌ای برای صیانت از اسلام اقدام عملی می‌کند و می‌فرماید: «ما بایستی مصرف کردن را مدبرانه و عاقلانه مدیریت کنیم. مصرف نه فقط از نظر اسلام، بلکه همه‌ی عقلای عالم، چیزی است که باید تحت کنترل عقل قرار بگیرد. با هوی و هوس، با خواهش دل و آنچه نفس انسان از انسان مطالبه می‌کند، نمی‌شود مصرف را مدیریت کرد. کار به جایی می‌رسد که منابع کشور به هدر می‌رود، شکاف بین فقرا و اغنیاء زیاد می‌شود، عده‌ای در حسرت اولیات زندگی می‌مانند و عده‌ای با ولخرجی، ولنگاری در مصرف، منابع را هرز و به هدر می‌دهند. من امسال را سال حرکت مردم و مسئولین به سوی اصلاح الگوی مصرف می‌دانم و امیدوارم که این عنوان که «اصلاح الگوی مصرف» است، برای همه ما دستورالعمل باشد و همه‌ی ما بتوانیم بر طبق این شعار مهم و حیاتی و اساسی برای کشور عمل کنیم و از منابع کشورمان به بهترین وجه استفاده کنیم.» (گزیده‌ای از پیام نوروز ۱۳۸۸ امام خامنه‌ای) با این فرمایشات نه تنها ایران را نجات می‌دهد، بلکه تمام برنامه‌ها و یاوه‌گویی‌های دشمن را به هم می‌ریزد و مأیوس می‌کند و به ملت ایران نیز نقشه‌ی راه را ترسیم می‌نماید که از اسراف و تذبذب بپرهیزد تا قدرت و عظمت اسلام و ایران حفظ شود.

ب- اسراف و استعمار

استعمارگران و غارت‌گران، برای رسیدن به نیاتشان در یک کشور می‌کوشند تا از راه‌های گوناگون، آن را در اقتصاد وابسته نمایند تا به راحتی ثروت و معادن کشورهای محروم را به غارت ببرند. دشمن برای تحقق این امر اول جامعه‌ی آن کشور را به اسراف می‌کشاند تا جای که مصرف‌کننده‌ی اجباری اجناس آنان شوند. (حسین ایرانی، بی تا: ۳۶) نمونه‌ی بارز آن حمله‌ی آمریکا به کشور افغانستان بود. اولاً؛ تمام معادن افغانستان را به یغما برد، فرودگاه «بگرام کابل» را در اختیار آمریکایی‌ها قرار گرفت، به طوری که افغانستانی‌ها از چند کیلومتری آن نمی‌توانست عبور کنند چه رسد که نظارت داشته باشند. ثانیاً؛ برای دولت افغانستان به گونه‌ای برنامه‌ریزی کرده بود که تمام سرمایه‌ی افغانستان را صرف یک جناح خاص یا قوم معین و یا برای رسیدن به قدرت به افراد موردنظرشان، اختصاص داده بودند. پیامدهای این مصرف‌گرایی‌های نامطلوب، باعث بی‌سوادی ملت افغانستان و درنهایت کشور را به یک عده‌ای تندرو که فکر و اندیشه‌ی وهابی‌گری دارند، سپردند و این نتیجه‌ای همان مصرف‌گرایی بیهوده و درنهایت استعمارگری آمریکا بود.

بخش دوم: راه‌های برخورد با اسراف در داخل کشور اسلامی

این مهم در دو محور اجتماعی و فردی قابل بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

راه‌های مقابله اجتماعی با اسراف و تبذیر

مسئولین و مقابله با اسراف

دولت‌ها در هر کشوری نقش مهم در مبارزه با اسراف‌گرایی دارند؛ زیرا عامل کنترل‌کننده‌ای جامعه از اسراف و تبذیر است. دولت به معنای کلان در بخش‌های مختلف و ارکان دولتی می‌تواند دخالت کند و نهادهای دولتی را ملزم کند که از ریخت‌وپاش‌های بیهوده پرهیز نمایند

و هم در جامعه، باتدبیر و برنامه‌ریزی دقیق و دستورالعمل اجرایی؛ در جلوگیری از هدر رفت منابع و انرژی داشته باشند. در سال ۱۴۰۰ دولت جمهوری اسلامی ایران تمام نهادهای دولتی را ملزم کردند که برق را به‌درستی و بر اساس نیازشان مصرف کنند. در این راستا به فرازی از سخنان فقیه فرزانه امام خامنه‌ای استناد می‌کنیم که در مورد رعایت انضباط اقتصادی فرمود: «انضباط اقتصادی و مالی؛ یعنی مقابله با ریخت‌وپاش، زیاده‌روی و اسراف... این (ریخت‌وپاش) به‌هیچ‌وجه یک صفت خوبی نیست، نه اسمش جود و سخا است، نه اسمش کرم است، نه اسمش بزرگ‌منشی است، فقط اسمش بی‌انضباطی اقتصادی و مالی است... من از مسؤولین امور می‌خواهم جداً در زمینه‌ی مصرف اموال عمومی در جاهایی که اولویت ندارد، ولو ممکن است نیاز هم باشد، اما نیاز درجه‌ی یک نیست، آن جایی که دایر است بین نیاز با اولویت و بی‌اولویت، خودداری کنند... این امکان مالی در حاجت بالاتر و برتر مصرف شود و این توصیه‌ی امسال من است، امیدوارم مسؤولین کشور نسبت به این قضیه (دوری از اسراف) اهتمام بورزند.» (فراخوان رهبری، ۱۲-۱۴) رُخ سخن رهبر عزیز انقلاب اول با مسؤولین کشوری و دولتمردان است، می‌فرماید: «اگر جلوی ریخت‌وپاش‌ها در دولت گرفته شود و وجدان کاری در کارگزاران دولتی بیدار گردد، به‌راحتی از مردم نیز می‌شود خواست که دست از اسراف بردارند.» (روزنامه‌ی رسالت، ۱۳۷۴/۱/۱۶) متن فتوای امام خمینی (ره) این است که: «زیاده‌روی در مصرف آب و برق برخلاف قانون دولت و حرام است و موجب ضمان نیز می‌گردد.» (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۹: ۷۳) این درنهایت این سفارش‌ها افق روشن برای رشد و سلامت اقتصادی است.

مبارزه با بی‌کاری و اتلاف عمر

از وظایف مهم دولت‌ها ایجاد اشتغال است؛ زیرا بیکاری در جامعه مولد فساد است. اگر مدیران سیاسی شغل برای جوانان ایجاد نکنند نخستین آسیبی اجتماعی آن این است که عمر

افراد جامعه به هدر می‌رود و اسراف در عمر انسان‌ها که - سرمایه‌ی گران‌مایه است - جامعه را به تباهی می‌کشاند. بی‌بندباری، سرقت، کاهش ازدواج، کم‌رنگ شدن ارزش‌های دینی در جامعه در نبود شغل است. (سروش، ۱۳۸۶: ۵۶) مصداق زنده و روشن آن حال‌وروز جوانان افغانستان است. از زمانی که طالبان از کوه‌ها و درّه‌ها به شهر آمدند و سکان قدرت را نیز به دست گرفتند. هم‌زاد با تشکیل امارت اسلامی فقر و بی‌کاری از زمین و آسمان به ملت افغانستان می‌بارد. جوانان افغانستانی برای نجات از فقر و گرسنگی سرازیر مرزهای ایران، ترکیه و سایر کشورها شدند، نه تنها عمر آن‌ها بیهوده تلف می‌شوند، بلکه غالب جوانان افغانستانی در مسیر راه از بین می‌روند و در نهایت در یک سرنوشت نامعلوم گرفتار شده‌اند، نه راه برای پیشرفت دارند و نه مسیر بازگشت به افغانستان؛ بنابراین عمر جوانان افغانستانی بعد از حضور طالبان برای پیدا کردن لقمه‌ای نانی بیهوده سپری می‌شوند. در نتیجه جوانان افغانستان به مرگ تدریجی گرفتار شدند. در واقع مدیران دولتی مسئول هستند که زمینه‌ی کار و رفاه اجتماعی را فراهم کنند و بستر رشد و شکوفایی جوانان که زیربنای آن اقتصاد است باید فراهم گردد و وظیفه‌ای مدیران دولت‌هاست.

مدیریت قوی و ارائه الگوی صحیح مصرف

امام علی (ع) الگوی صحیح مصرف را به عثمان بن حنیف (فرماندار بصره) این‌گونه معرفی می‌نماید: «به سرعت سوی آن مهمانی شتافتی که خوردنی‌های رنگارنگ برایت آوردند و پی‌درپی کاسه‌های پر از غذا جلوی تو نهادند. گمان نمی‌کردم میهمانی مردمی را بپذیری که نیازمندانش با ستم محروم شده و ثروتمندانش بر سر سفره دعوت شده‌اند، اندیشه کن در کجایی؟ و بر سر کدام سفره غذا می‌خوری؟ پس دور بیفکن غذایی را که به حلال و حرام بودنش آگاه نیستی و مصرف کن آنچه را که به پاکیزگی و حلال بودنش یقین داری» (دشتی، خطبه ۴۵: ۵۵۳)

مدیران دولتی نقش بسیار شایسته در جهت مبارزه با اسراف اجتماعی دارند، البته مدیران در قدم اول خودشان باید الگوی مصرفی برای دیگران باشند. حجت‌الاسلام قرائتی می‌گوید: «برای عقد دخترم به منزل شخصی ایشان (مقام معظم رهبری) رفتم، قالی خانه‌ی آقا نخ نما شده بود. در زمان ریاست جمهوری ایشان، به هنگام اقتدا به ایشان در نماز، او یک لامپ اضافی اتاق را خاموش کرد و تنها یک لامپ را روشن گذاشت» (مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۷۸: ۱۲۳) داشتن مدیریت مدبرانه و عاقلانه، یکی از ضروریات اولیه مبارزه با فساد و اسراف به حساب می‌آید. سخنرانی، برگزاری چند همایش، چاپ مقاله و کارهای از این قبیل خوب است ولی کافی و کاربردی نیست که مشکلات اقتصادی را حل کنند، بلکه مبارزه با اسراف و پویایی اقتصاد و سیاست صحیح و در سطح کلان جهت هدایت مردم و تدوین و عملیاتی کردن برنامه‌های استراتژی راهبری داشته باشند. یکی از ویژگی‌های حضرت امام خمینی (ره) است: «ایشان در مورد صرفه‌جویی و ترک اسراف به قدری دقت و احتیاط می‌کرد که وقتی وضو می‌گرفت، در بین وضو چندین بار شیر آب را می‌بست تا مبادا آب اضافی ریخته شود.» (ستوده، ج ۲، ۱۳۴۰: ۲۱۲)

گنجاندن الگوی مصرف در آموزش و پرورش

آموزش و پرورش یکی از اصول بنیادین یک جامعه است که باید مدیران سیاسی، خط‌مشی الگوی مصرف را برای این نهاد مهم ترسیم کنند. اگر مبارزه با اسراف و تجمل‌گرایی در آموزش و پرورش نهادینه شود. دانش‌آموزان از ابتدا با آموزش‌های صحیح ساخته شوند، یقیناً اقتصاد کشور بهبودی کامل پیدا می‌کنند و با تقویت اقتصاد برنامه‌های در سطح کلان اجتماعی که وابسته به اقتصاد و امکانات دارند به‌خوبی پیاده‌سازی می‌شوند؛ بنابراین، تقویت و صیانت از اقتصاد امر بنیادین و از اصول اساسی یک کشور محسوب می‌گردد. از وظایف مهم دولت رشد و سلامت اقتصاد است. مدیران اگر از این مرحله به‌سلامت عبور کنند، یقیناً در امور دیگر نیز

حکم فقهی مبارزه با اسراف در راستای تقویت اقتصاد ۱۰۱

موفق خواهند بود؛ بنابراین، یکی از راه‌های تقویت اقتصاد، تربیت صحیح و درست دانش‌آموزان در آموزش و پرورش هستند که با برنامه‌های کاربردی، اقتصاد را برجسته کنند. گنجاندن الگوی مناسب مصرف در نظام آموزشی کشور به گونه‌ای که هر چه سطح آموزش بالاتر برود، اطلاع و شناخت بهتر در خصوص درک و ضرورت اصلاح الگوی مصرف در جامعه حاصل می‌شود. (کلاتری، ۱۳۸۸: ۳۱۷)

جذب کارگزاران صالح

یکی از راه‌های خنثی‌سازی اسراف و تبذیر گنجاندن افراد صالح و متدین در کابینه‌ی دولت اسلامی است. اگر اشرافی‌گری در کابینه دولت رواج پیدا کند دولت از رسیدن به آرمان اجتماعی؛ یعنی تحقق عدالت باز می‌ماند. امام خاмене‌ای^(مدظله‌العالی) می‌فرماید: «از جمله چیزهایی که روند حرکت به سمت عدالت را در جامعه کند می‌کند، نمودار اشرافی‌گری در مسئولان بالای کشور است.» (شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۳) در یکی از نامه‌های امام علی (ع) به «زیادبن ابیه» جانشین «عبدالله بن عباس» کارگزار امام در بصره. چنین دستور می‌دهد: «إِنِّي أَقْسِمُ بِاللَّهِ قَسَمًا صَادِقًا لَئِن بَلَغَنِي أَنَّكَ خُنْتَ مِنْ فَيْءِ الْمُسْلِمِينَ شَيْئًا صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا لَأَشُدَّنَّ عَلَيْكَ شِدَّةً تَدْعُكَ قَلِيلَ الْوَفْرِ، ثَقِيلَ الظَّهْرِ، صَبِيلَ الْأَمْرِ، السَّلَام؛ به خدا سوگند، اگر خبر رسد که در بیت‌المال مسلمین خیانت شده، چه کم یا زیاد، بر تو به نهایت سخت‌گیرم آن‌چنان‌که تهی‌دست و گرانبار و حقیر مانی.» (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸: نامه ۲۰) از وظیفه‌ی کارگزاران دولت است که جلوی ریخت و پاش اموال عمومی را بگیرند. در سخنان حضرت علی (ع) آمده است: «سَخَاوَتْمَنْدِي زَمَامِدَارَانَ فِي أَمْوَالِ عُمُومِي مُسْلِمَانَانَ، سَتْمٌ وَ عَهْدشَكْنِي است.» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۰: ۳۰۳) کارگزاران اگر صالح باشند نه به خودشان اجازه می‌دهند و نه افراد زیردستان را می‌گذارند که اموال عمومی را حیف و میل کنند. امام علی (ع) در نامه‌ی ایشان به کارگزارانش می‌فرماید: «ادَقُّوا اقْلَامَكُمْ وَ قَارِبُوا بَيْنَ سَطُورِكُمْ وَ احْذَرُوا عَنِّي

فضولکم و اقصدوا قصد المعانی و ایتاکم و الإکتار فإنّ أموال المسلمین لا تحتمل الإضرار؛ قلم‌های خویش را تیز کنید و میان سطرهایتان، کم فاصله نهدید و سخن‌های زیاده برایم ننویسید و آنچه را مقصود است بیاورید و از زیاده نویسی بپرهیزید؛ زیرا دارایی مسلمانان، تحمل ضرر رسانی را ندارد.» (علی بن بابویه، ۱۳۶۲: ۳۱۰، ح ۸۵) کارگزاران باید سیاست پیشگیرانه داشته باشند که زمینه‌ای گناه و اسراف، بروز و ظهور نکنند؛ چون‌که زیربنای استقلال و عزت یک کشور بستگی به اقتصاد آن دارد (محمدی ری شهری، ۱۳۸۸: ۱۳۸) همچنان در آموزه‌های دینی و در کلام فقه‌ها به این مطلب مکرر اشاره شده است.

قطع رابطه با اسراف‌کاران

از عامل بسیار مهم مبارزه با اسراف، اجتناب از هم‌نشینی با اسراف‌کاران است؛ زیرا هم‌نشینی با آن‌ها ضمن تشویق به گناه، ناخودآگاه موجب تأثیرگذاری در زندگی انسان می‌شود. در این خصوص قرآن کریم به صراحت نهی می‌کند: «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ؛ از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید و از فرمان افراد اسراف‌کار اطاعت نکنید.» این هشدار قرآن است که هم‌نشینی با آن‌ها موجب انحراف از مسیر حق می‌گردد. روایت از حضرت علی (ع) داریم که در شب معراج، خداوند به پیامبر (ص) وحی فرمود: «بَعْدِ الْأَغْنِيَاءِ وَ بَعْدِ مَجْلِسِهِمْ؛ از ثروتمندان دوری کن و مجلس آن‌ها را از خودت دور نما» (نوری، ج ۱۲، ۱۴۰۸: ۲۳۷) بنابراین، اسراف‌کاران تعادل ندارند همیشه یا در افراط و یا در تفریط هستند، به همین جهت از برقراری ارتباط با آن‌ها نهی شده است. ارتباط، دوستی با افراد معتدل، قانع و پیوند ازدواج با این طیف خانواده‌ها، بنا به سفارش قرآن و روایات راه معتدل و مقبول است، البته صرف داشتن ثروت، اگر از راه حلال باشد و به‌عنوان وسیله و ابزار برای رسیدن به کمال باشد، منافاتی با روحیه‌ی اعتدال و پرهیز از اسراف ندارد. به این لحاظ حضرت علی (ع) -در مورد حضرت سلیمان که از تمکن مالی بالایی برخوردار بود- می‌فرماید: «وَ كَانَ سُلَيْمَانُ إِذَا أَصْبَحَ

تَصَفَّحَ وَجُوهَ الْأَغْنِيَاءِ وَالْأَشْرَافِ حَتَّى يَجِيءَ إِلَى الْمَسَاكِينِ وَيَقْعُدُ مَعَهُمْ وَيَقُولُ مِسْكِينُ مَعَ الْمَسَاكِينِ؛ سلیمان پیامبر هرگاه صبح می نمود، از برخورد با ثروتمندان و اشراف روی گردان بود تا در ماندگان و مساکین بیایند و با آنها مجالست نماید و می فرمود: من مسکینی با مساکین هستم» (صدوق، ج ۱۴، ۱۴۰۳: ۸۳)

ساده زیستی و ارائه الگو

در حالات «مرجع تقلید وحید بهبهانی^(۳۰)» نوشته اند: ایشان دارای دو پسر به نام های «محمدعلی و محمد اسماعیل بود.» روزی چشمش به لباس فاخر عرووش (همسر محمد اسماعیل) افتاد، بی درنگ به پسرش اعتراض کرد و گفت: چرا به همسرت لباس فاخر خریدی؟ آقازاده ایشان بدون تأمل گفت قرآن می فرماید: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ...؛ بگو چه کسی زینت و خوراکی های پاکیزه از رزق خداوند را که برای بندگانش خارج نموده، حرام کرده است» (سوره اعراف، ۳۲)

لباس زیبا را چه کسی حرام کرده است؟! ایشان فرمود: پسرکم! من نمی گویم این ها حرام است، بلکه من مرجع تقلید این مردم هستم. در بین مردم افراد (فقیر، ثروتمند) هستند. اکثر مردم شاید مقدور نباشند که چنین لباسی فاخری تهیه کنند. ما که نمی توانیم سطح زندگی مردم را هم طراز با زندگی ثروتمندان بسازیم، بنابراین چه بهتر خود را با آنها هماهنگ نماییم که آنها با دیدن وضع ساده ای ما، رنجیده خاطر نشوند. می گویند، اگر ما نتوانستیم مانند ثروتمندان زندگی کنیم، ولی می توانیم مانند وحید بهبهانی زندگی کنیم، همین سنجش سبب تسکین قلوب آنها خواهد شد. از این رو می گویم ما باید ساده زیست باشیم، به خصوص پیشوایان دین با آنها همدردی و هماهنگی کنند. (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۹: ۱۲۵) آیت الله شیخ عبدالکریم حائری مؤسس حوزه علمیه قم، از ویژگی ایشان این بوده که کاغذ و پاکت نامه ها

و یا کاغذ تلگراف‌هایی که برایش می‌آمد، آن‌ها را نگه‌می‌داشت و درس خارج فقه و اصول خود را روی آن‌ها می‌نوشت. (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۹: ۱۸۰)

تربیت و نظارت خانوادگی

از عوامل مهم مبارزه با فساد و اسراف، تربیت کانون گرم خانواده است. زیربنای شخصیت کودک تربیت خانواده است، تربیت خانوادگی آسان‌تر و سریع‌تر در شخصیت کودکان نفوذ می‌کند. برخی کودکان را تشبیه به دوربین فیلم‌برداری نموده‌اند با این تفاوت، کسی که از مجالس و مراسم فیلم می‌گیرد، با اطلاع قبلی و در زمان معین است؛ اما کودک آن‌کسانی هستند که هر لحظه رفتار والدینشان را زیر نظر دارند و عملکرد آن‌ها را به‌عنوان الگو در حافظه‌ای بی‌پایانشان عمیقاً می‌سپارند؛ اما آثار و پیامدهای عملی آن در رفتار کودکان در گذر زمان بروز و ظهور می‌کند؛ بنابراین؛ والدین نخستین مربیانی هستند که قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و کسانتان و اهل خانواده خویش را از آتش حفظ کنید.» (سوره تحریم، ۶) آبادانی خانه به ساختمان‌های مجلل، ماشین و امکانات نیست، بلکه به تربیت صحیح، تقوا و اخلاق مطابق با موازین شرعی است. والدین وظیفه‌دارند که با رفتار صحیحشان الگوی مناسب در مصرف باشند؛ مانند کنترل میزان مخارج، جلوگیری از ولخرجی و رعایت میانه‌روی در مسافرت، میهمانی، مراسم شادی و عزا، از وظایف بی‌بدیل والدین است. امام صادق(ع) فرماید: «هر خانواده‌ای که از نعمت مدارا بهره‌مند شود، در حقیقت خداوند گشایشی در روزی آنان داده است، مدارا نمودن در مخارج زندگی از ثروتمند بودن کارگشایتر است، مدارا موجب درماندگی نشود ولی تبذیر و ولخرجی چیزی باقی نمی‌گذارد، خداوندی که اهل مدارا است، مدارا را دوست دارد.» (طبرسی، ۱۳۷۹: ۳۶۹).

البته واقعیت‌های عینی و ملموس وجود دارد که برخی خانواده‌های ولخرج، اسراف‌گر و غیر متعادل هستند که متأسفانه هیچ نظارت و کنترل ندارند، این‌ها انگل‌های هستند که جامعه

را بیمار می‌کنند و اقتصاد کشور را به نابودی تهدید می‌کنند. در موازات آن کسانی که رفتار و عملکردشان میانه‌روی است، باعث عزت و سلامت جامعه هستند. امام علی (ع) می‌فرماید: «سیرتُهُ الْقَصْدُ وَ سُنَّتُهُ الرُّشْدُ؛ سیره و راه و رسم پیامبر میانه‌روی و سنت او رشد بود.» (دل‌شاد تهرانی، ۱۳۷۹: ۲۶۹) مسئولیت تربیت صحیح به عهده‌ای والدین است که با رفتارشان هم آینده‌ی فرزندان‌شان و جامعه را بهبود می‌بخشند. این مرحله را با کلام امام سجاد (ع) به پایان می‌بریم که می‌فرماید: «حقوق فرزند بر تو این است که بدانی وجود او از تو است و نیک و بدهای او در این دنیا وابسته به تو می‌باشد و تو در برابر او مسئول و موظفی که با آداب و اخلاق پسندیده، او را پرورش دهی.» (حرانی، ۱۳۶۳: ۲۶۹)

وظیفه‌ی ما در برابر ثروت‌آیندگان

اسراف و تبذیر ثروت، آینده را نابود می‌کنند، وظیفه ماست که از ثروت‌آیندگان صیانت کنیم. حضرت علی (ع) در نامه‌ی به «زیاد» می‌نویسد: «فدع الاسراف مقتصدًا و اذکر فی الیوم غدا و امسک من المال بقدر ضرورتک و قدّم الفضل لیوم حاجتک»؛ اسراف را رها کن و میانه‌روی در پیش گیر و امروز به یاد فردا باش و از مال به اندازه ضرورت نگاه دار و اضافی آن را برای روز نیازمندیت (قیامت) پیش فرست. (خوانساری، ج ۴، ۱۳۶۶: ۴۳۶) در مقابل میانه‌روی ضامن سلامت اقتصاد است. امام علی (ع) «و السرفُ مَثْوَاةٌ وَ الْقَصْدُ مَثْرَاةٌ؛ اسراف موجب هلاکت و میانه‌روی مایه افزونی ثروت است» (صدوق، ج ۶۶، ۱۴۰۳: ۳۶۹)

امر به معروف و نهی از منکر اجتماعی

افراد جامعه در برابر یکدیگر هم حق و هم تکلیف دارند. احکام اسلامی افراد را به میانه‌روی و اعتدال سفارش می‌کنند، این یک سیاست همگانی و پیشگیرانه از جرم است. در جامعه همه حق زندگی، شغل، ازدواج، بهره‌مندی از امکانات و... دارند. این حق تا زمانی برای افراد محفوظ و مسلم است که از میانه‌روی و اعتدال خارج نشوند و رفتار او از قانون بالا نرود. قرآن

کریم-علت نفرین و لعنت کافران بنی اسرائیل را نهی نکردن از منکر بیان کرده- می فرماید: «كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ؛ آن‌ها نهی از منکر و زشتی نمی کردند، آن را مرتکب می شدند، چقدر بد است کاری که آن‌ها انجام می دهند.» (سوره مائده، آیه ۷۹)

اهمیت نظارت و کنترل همگانی برای این است که مفسد و اسراف، شبیه ویروس منحوس کرونا هستند که از فرد به اجتماع سرایت و به مرور زمان همه را مبتلا می کند و اقتصاد جامعه را زمین می زند. امام باقر(ع) می فرماید: «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَاجُ الصُّلَحَاءِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تَقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَ تَحِلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تُرَدُّ الْمَظَالِمُ وَ تُعْمَرُ الْأَرْضُ وَ...؛ امر به معروف و نهی از منکر، روش پیامبران و طریقه‌ی دانشمندان است، واجبی است که به وسیله آن فرایض و واجبات بر پا می شود، راه‌ها امن می شود، کسب‌ها حلال می گردد، مظالم به صاحبان اصلی برگردانده می شود، زمین‌ها آباد می گردد و...» (کلینی، ج ۵)، (۱۴۰۷: ۵۶) شیخ طوسی(ره) می فرماید: «امر به معروف هم با دست می شود، هم با زبان، اما با دست این است که انسان خودش شخصاً عامل کار خیر باشد و عملاً از منکرات اجتناب کند، به گونه‌ای که مردم به او اقتدا کنند، اما به وسیله زبان آن است که مردم را دعوت کنند و نوید بدهند که در دنیا مورد ستایش و در آخرت مشمول پاداش الهی واقع می-گردند.» (نجفی، ج ۲۱)، (۱۴۱۲: ۳۸۰) بنابراین، این اصل مهم و بنیادین اگر به عنوان یک فرهنگ در جامعه نهادینه شود، جامعه سروسامان پیدا می کند به ویژه از اسراف و ولخرجی جلوگیری می شود و اقتصاد در جامعه رشد پیدا می کند؛ زیرا اسراف و تبذیر از گناهان کبیره و عامل فساد اجتماعی است.

مبارزه با اسراف در حوزه‌ی فردی

ایمان به خدا

هرکس ارتباطش با خداوند متعال قوی باشد، اسراف نمی‌کند؛ خداوند اسراف پیشه‌گان را برادران شیطان خطاب کرده است. تمام قوانین اسلام مطابق با فطرت سلیم انسان‌ها بنا شده‌اند. ایمان به خدا حس افزون‌طلبی و ثروت‌اندوزی را تعدیل می‌کند. قوی‌ترین و دقیق‌ترین مأمور و عامل کنترل افراد از زیاده‌روی ایمان اشخاص است؛ زیرا افراد با ایمان همیشه خود را در محضر خدا می‌دانند. در مقابل؛ انسان‌های که خدا را فراموش کرده‌اند به راحتی مرتکب اسراف می‌شوند. خداوند می‌فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ؛ مانند کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند، خدا هم به این دلیل نفوس آن‌ها را برای خودشان فراموش کرد و از یادشان برد.» (سوره حشر، ۱۹) همچنین ایمان و اعتقاد به معاد و قیامت، باعث می‌شود که انسان معتقد از اعتدال و میانه‌روی خارج نشود؛ زیرا یقیناً کیفر و پاداشی برای فاعل آن هست؛ بنابراین، اگر این مجموعه؛ یعنی ایمان به خدا، معاد و قیامت باوری در انسان تقویت شود قطعاً مسیر اعتدال را در پیش می‌گیرد و از اسراف و تبذیر پرهیز می‌کند. اگر ایمان در اشخاص تقویت شود پویایی اقتصاد که اقتدار اسلام به او بستگی دارد، درست خواهد شد. (رفیعی محمدی، ۱۳۸۸: ۱۱۷)

شکر نعمت‌ها و رضایت خدا

یکی از چیزهای که آرامش را به انسان به ارمغان می‌آورد، شکر گذاری در برابر نعمت‌های خداوند و راضی به رضایت اوست. چنین انسانی هرگز از مرز اعتدال خارج نمی‌شود. بر همین اساس حضرت علی (ع) می‌فرماید: «إِنَّ أَهْنَ النَّاسِ عَيْشاً مَنْ كَانَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ رَاضِياً؛ همانا گواراترین زندگی را آن کسی دارد که به آنچه خداوند برای او تقدیر کرده، راضی و خشنود باشد.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۹۳) ویژگی خشنودی به رضای حق و شکر و سپاس، باعث نابودی

انگیزه‌های اسراف؛ مانند حرص و تجاوز از حد می‌شود و عطش انسان را نسبت به زندگی تجملاتی و زیاده‌روی، برطرف می‌نماید. حضرت علی(ع) در جمله‌ی کوتاه ولی بسیار ارزشمند می‌فرماید: «اَرْضَ تَسْتَرِحْ؛ به خشنودی خدا خشنود باشد، در نتیجه بانشاط و راحت زندگی کن.» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۷۶) بنابراین، با پرورش این ارزش‌های والا، در وجود خود، خویش را ز هرگونه اسراف و زیاده‌روی بیمه می‌کند.

تقوای الهی

انسان‌های باتقوا خیلی رفتارهای دقیق و حساب‌شده دارند که مبادا به دام شیطان بیفتند و او را از مسیر حق منحرف کند. اسراف و تبذیر که در فقه اسلامی حرام دانسته شده‌اند. انسان مؤمن و باتقوا از اسراف و تبذیر پرهیز می‌کند. این نگرش باعث می‌شود که در گیرودارهای دنیا اشتباه نکنند. رسول خدا(ص) می‌فرماید: «حَلُّوا انْفُسَكُمْ بِالْعِفَافِ وَ تَجَنَّبُوا التَّبْذِيرَ وَ الْاِسْرَافَ؛ زیور کنید نفس‌های خود را به پرهیزگاری و دوری گزینید از تبذیر و اسراف» (خوانساری، ج ۱)، (۱۳۶۶: ۴۱۹). انسان‌های باتقوا از انجام اسراف و تبذیر که خداوند حرام کرده است اجتناب می‌کنند. امام علی(ع) می‌فرماید: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا أَلْهَمَهُ الْاِقْتِصَادَ وَ حُسْنَ التَّدْبِيرِ وَ جَنَّبَهُ سُوءَ التَّدْبِيرِ وَ الْاِسْرَافَ؛ اگر خدای متعال بخواهد به فردی خیر و نیکی برساند، میانه‌روی و اقتصاد و تدبیر در مارها را به او ارزانی داشته و وی را از اسراف و بی‌تدبیری بازمی‌دارد.» (طوسی، ۱۳۸۴: ۸۵)، میانه‌روی سبب خیر و برکت در زندگی می‌گردد. اعتدال و میانه‌روی باعث می‌شود انسان فقیر نشود. امام صادق(ع) می‌فرماید: «ضَمِنْتُ لِمَنْ اِقْتَصَدَ أَنْ لَا يَفْتَقِرَ؛ برای کسی که راه اعتدال در هزینه‌ی زندگی را رعایت می‌کند، ضامن شدم که محتاج و فقیر نگردد.» (کلینی، ج ۷)، (۱۴۰۷: ۳۴۰) هادی قطبی می‌گوید: رهبر انقلاب (امام خامنه‌ای) یک روز به من فرمودند که برای ایشان سماور تهیه کنم. به بازار تهران رفتم به زحمت یک سماور برقی با قیمت تعاونی پیدا کردم، خدمت ایشان گفتم با زحمت به قیمت تعاونی سماور

پیدا کردم، ایشان فرمودند: «بروید یک سماور نفتی پیدا کنید. مصلحت نیست در این شرایط جنگ که برق جنبه‌ی حیاتی دارد، ما سماور برقی داشته باشیم.» (قطبی، ۱۳۸۹: ۱۱۸)

مواسات و همدردی با فقرا

از راه‌های مبارزه با اسراف مواسات است؛ یعنی همه‌ی امت اسلامی مانند یک بدن واحد و هر فردی عضوی از این پیکره است؛ بنابراین، باید رنج هر فرد، رنج همه و راحت هر عضو، راحتی همه‌ی اعضا محسوب شود. امام صادق (ع) می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ كَالْجَسَدِ الْوَاحِدِ إِذَا اشْتَكَى شَيْئاً مِنْهُ وَجَدَ أَلَمَ ذَلِكَ فِي سَائِرِ جَسَدِهِ؛ مؤمن برادر مؤمن است. هر دو عضو یک بدن‌اند. اگر عضوی ناراحت شود، رنج آن به دیگر اعضا سرایت می‌کند.» (کلینی، ج ۳)، (۲۴۳) اگر عده‌ای به اسراف‌گری و تجملات ادامه دهند و برخی دیگر در تنگنای اقتصادی دست‌وپنجه نرم کنند موجب شکاف طبقاتی و هرج‌ومرج در جامعه به وجود می‌آید و باعث ضعف اقتصاد جامعه‌ی اسلامی می‌گردد.

قناعت

قناعت؛ یعنی مبارزه با اسراف‌گری. امام خامنه‌ای می‌فرمایند: «ما به فقیر باید عزت‌نفس و حس مناعت بدهیم و به غنی باید کمک به فقیر را بیاموزیم. به‌هر حال در کار زندگی جامعه، باید از زندگی اشرافی و تجملاتی الگوسازی نکنیم» (قدوسی زاده، ۱۳۹۲: ۱۴۵) اگر قناعت باشد فساد خودبه‌خود در جامعه کم می‌شود.

مجازات اسراف‌کاران

اسراف از دیدگاه عرف و عقل ناپسند و در قضاوت وجدان نیز ناشایسته محسوب می‌شود. اسراف از منظر فقها حرام است، به دلایل محرز (آیات، روایات، اجماع (حلی، ج ۱)، ۱۳۹۰: ۴۴۰)، عقل). خداوند به مسرفین وعده‌ی هلاکت و عذاب جهنم داده است: «أَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ؛ به‌راستی که اسراف‌کنندگان اهل عذاب و آتش جهنم‌اند» (سوره غافر، ۴۳).

حضرت امام خمینی (ره) اسراف و تبذیر را در رساله‌ی عملیه خود جزء گناهان کبیره شمرده‌اند. (خمینی، کتاب الصلوة شرایط امام جماعت). محقق نراقی حرمت اسراف را قطعی، اجماعی و ضروری اسلام دانسته است. (نراقی، ۱۴۱۷: ۲۲۲).

اسراف زمینه‌ی اقتصادی گناه

مبارزه با اسراف زمینه‌ی رشد اقتصادی و بی‌نیازی جامعه و فرد را فراهم می‌نماید. در موازات آن اسراف‌گرایی زمینه‌ساز گناه می‌شود. زمینه‌های اقتصادی گناه دو گونه است:

۱. سرمایه و ثروت اگر به دست نااهل بیفتد زمینه گناه و طغیان او می‌شود.
۲. فقر و تهیدستی؛ در اغلب موارد زمینه‌ساز گناه و آلودگی انسان می‌گردد. البته سرمایه دلیل بر فساد نیست اما زمینه‌ساز فساد است. در قرآن آمده: «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٍ» (که شما می‌پندارید) به یقین انسان طغیان می‌کند، «أَن رَّءَاهُ اسْتَغْنَى»؛ از اینکه خود را بی‌نیاز بیند!» (سوره علق/ ۶ و ۷) در دو صورت سرمایه عامل فساد می‌شود: اول؛ زاویه‌ای دید انسان این باشد که سرمایه از من است. دوم؛ معتقد باشد که در تحصیل و مصرف سرمایه - هرگونه بخواهد- آزاد است. ولی در قرآن و روایات اسلامی می‌گویند: سرمایه مال خداست و تحصیل و مصرف آن حدی دارد (واحد پژوهش انتشارات هنارس، ۱۳۸۸: ۹۱). حضرت سلیمان (ع)، سرمایه را از آن خدا می‌دانست و آن را وسیله‌ی وصول به رضوان خدا قرار داد: «هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي ءَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ؟» این از فضل پروردگار من است تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را بجا می‌آورم یا کفران می‌کنم؟!». بُشْر بن مروان می‌گوید خدمت امام صادق (ع) رسیدم، ایشان خرمای تازه خواست و یکی از حاضران هسته را دور می‌انداخت امام دست کشید و فرمود: «این کار را مکن این تبذیر است و خدا فساد را دوست ندارد». (مجلسی، ج ۲، ۱۳۶۴: ۲۲۵).

پیامدهای اسراف از دیدگاه قرآن

در مکتب اقتصادی اسلام مال و ثروت پایه‌ی زندگی است و نقشی که خون در پیکر انسان دارد همان را در پیکر اجتماع ایفا می‌کند که اهمیت زیاد در فقه اسلامی دارد. (نوری، بی تا: ۳۱) در قرآن ۲۳ مورد، از اسراف نکوهش کرده است. (نوری همدانی، بیت المال در نهج البلاغه، ۱۳۸۶: ۵۳) که در این مقاله به مهمات آن می‌پردازیم:

۱. اسراف‌کاران برادران شیطان‌اند: «إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ؛ همانا تبذیر کنندگان (آنان که بریز و پاش می‌کنند) برادران و قرین شیاطین‌اند» (سوره اسراء، ۲۷)
۲. اسراف‌کاران جزء هلاکت یافتگان هستند: «وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ؛ ما مسرفان را هلاک نمودیم» (سوره انبیا، ۹)
۳. خداوند اسراف‌کاران را دوست ندارد: «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ؛ همانا خداوند اسراف‌کاران را دوست ندارد» (سوره انعام، ۱۴۱)
۴. اسراف‌کاران اهل دوزخ‌اند: «أَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ؛ به راستی که اسراف‌کنندگان اهل عذاب و آتش جهنم‌اند» (سوره مؤمن، ۴۳)
۵. اسراف‌کاران، مورد هدف سنگ‌های عذاب آسمانی هستند: «مُسْوَمَةٌ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ؛ سنگ‌هایی که از ناحیه‌ی پروردگارت برای اسراف‌کاران نشان گذاشته شده است» (سوره ذاریات، ۳۴)
۶. خداوند اسراف‌کاران را هدایت نمی‌کند و در گمراهی اندازد: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ؛ همانا خداوند اسراف‌گر و دروغ‌گو را هدایت نکند» (سوره مؤمن، ۲۸)
۷. اسراف‌کاران مانند فراموش کنندگان یاد خدا، عذاب می‌شوند: «كَذَّالِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ؛ و همین‌گونه اسراف‌کاران را کیفر می‌دهیم» (سوره طه، ۱۲۶)

۸. خداوند در سوره اعراف، آیه ۸۱ قوم هم جنس باز حضرت لوط (ع) را به عنوان اسراف کار، نکوهش فرموده: «بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ؛ بلکه شما گروه اسراف کار هستید».

۹. اسراف کاران، طاغوتیانی همانند فرعون است: «إِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ؛ همانا فرعون برتری جویی در زمین داشته از اسراف کاران بود» (سوره یونس، ۸۳).

نتیجه گیری

از بررسی لابلای مباحث فوق به این نتیجه می‌رسیم که اسراف و تبذیر دو واژه‌ای است که در فقه اسلامی فاعل آن نکوهش شده و آن را مستحق عقاب می‌داند. در حرمت اسراف و تبذیر تردیدی نیست؛ چون به سبب (آیات، روایات، اجماع، عقل) ثابت شده است. در این مقاله در دو حوزه بین‌المللی و داخلی (کشورهای اسلامی) بحث کردیم و از منابع معتبر و خدشه‌ناپذیر و متقن راه‌های مبارزه با این پدیده را به دست آوردیم که عمل کردن به این عوامل موجب می‌شود که به دام شیاطین نیفتیم، بلکه عزت و اقتدار امت اسلامی متوقف بر تقویت اقتصاد اسلامی است، هم‌چنین در این زمینه در مورد مبارزه با اسراف در محور داخلی به دودسته (اجتماعی و فردی) تقسیم کردیم و تمام مؤلفه‌های آن را با استناد به منابع معتبر، بررسی نمودیم که عملیاتی شدن این عوامل، در راستای تقویت نظام اقتصادی اسلامی است. همه‌ی برنامه‌ها؛ ریزودرشت بین‌المللی، اجتماعی و فردی متکی به اقتصاد کشورها است اگر اقتصاد کشورها در اثر اسراف و ولخرجی ضعیف و ناتوان شود تمام برنامه‌های کشور اسلامی روی زمین می‌ماند؛ چون زیربنای هر برنامه برای رشد کشور و جامعه متوقف بر هزینه و اقتصاد است.

کتابنامه

قرآن

الف- منابع فارسی

۱. ایرانی حسین، مشکل اسراف، مؤسسه‌ی در راه حق، قم، بی‌تا.
۲. پژوهش انتشارات هنارس، گامی به سوی اصلاح الگوی مصرف، هنارس، تهران، ۱۳۸۸.
۳. جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، زیر نظر ناصر مکارم شیرازی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۵۳.
۴. حسینی اصفهانی مرتضی، جهاد اقتصادی، شرکت نشر فرهنگ قرآن، قم، ۱۳۹۰.
۵. حکیمی؛ محمدرضا و حکیمی؛ محمد و حکیمی؛ علی، الحیاة، احمد آرام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۰.
۶. دلشاد تهرانی مصطفی، دولت آفتاب؛ اندیشه‌ی سیاسی و سیره‌ی حکومتی امام علی (ع)، دریا، تهران، ۱۳۷۹، چاپ دوم.
۷. دیلمی محمد، إرشاد القلوب، مترجم: عبدالحسین رضایی، اسلامیه، تهران، ۱۳۷۷، چاپ سوم.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، مصحح: خسروی حسینی، غلامرضا، مرتضوی، تهران، ۱۳۷۴.
۹. رفیعی محمدی ناصر، اسراف، تبذیر، تباهی سرمایه‌ها، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ۱۳۸۸.
۱۰. ستوده امیررضا، پا به پای آفتاب، نشر پنجره، تهران، ۱۳۴۰.
۱۱. سروش محمدعلی، آه سرد، دارالحدیث، قم، ۱۳۸۶.

۱۲. طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۹۰ ق.
۱۳. طریحی محمد، مجمع البحرين، نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۵، چاپ سوم.
۱۴. علی شیرازی، نصیحت‌های رهبری راهگشای عبور از بحران، مؤسسه‌ی فرهنگی خادم الرضا(ع)، قم، ۱۳۸۰.
۱۵. فیض کاشانی مرتضی، تفسیر الصافی، مصحح: حسین اعلمی، مکتبه الصدر، تهران، ۱۴۱۵، چاپ دوم.
۱۶. قدوسی زاده حسن، جرعه‌ها (گزیده‌ای از بیانات رهبر معظم انقلاب حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی))، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۲.
۱۷. قطبی هادی، در سایه خورشید، نیم‌نگاهی به زندگانی و خاطراتی از مقام معظم رهبری، انتشارات احمدیه، قم، ۱۳۸۹، چاپ دهم.
۱۸. کلانتری علی‌اکبر، اسلام و الگوی مصرف، مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۸، چاپ دهم.
۱۹. مجلسی محمدباقر، آداب معاشرت، مصحح: محمد بهشتی، اسلامیه، تهران، ۱۳۶۴.
۲۰. مجموعه از چشم‌انداز امام علی(ع)، مؤسسه‌ی فرهنگی اندیشه‌ی معاصر، تهران، ۱۳۸۸.
۲۱. محمدی اشتیاردی محمد، اسراف بلا‌ی خانمان سوز، مطهر، تهران، ۱۳۷۹.
۲۲. محمدی ری‌شهری محمد، سیاست‌نامه امام علی(ع)، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، قم، ۱۳۹۰.

۲۳. مدیر شانه‌چی کاظم، تاریخ فقه مذاهب اسلامی، مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۹۱، چاپ دوم.
۲۴. مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، فرزانه‌ای از نسل کوثر، تهران، ۱۳۷۸.

۲۵. مطهری مرتضی، مجموعه آثار شهید مطهری، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۸۰.
۲۶. مکارم شیرازی ناصر، دائرةالمعارف فقه مقارن، مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ اول، قم، ۱۴۲۷ ق.
۲۷. نوری همدانی حسین، بیت‌المال در نهج‌البلاغه، بنیاد نهج‌البلاغه، تهران، ۱۳۸۶، چاپ دوم.
۲۸. نوری حسین، اقتصاد اسلامی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی تا.

ب- منابع عربی

۲۹. ابن ابی الحدید، شرح نهج‌البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دار احیاء الکتب العربیه، قم، ۱۳۷۸ ق.
۳۰. انصاری محمدعلی، دراسة حول الاسراف فی الكتاب و السنة، قم دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹.
۳۱. ابن ادريس حلی، السرائر، مؤسسة النشر الاسلامیة، تهران، ۱۳۹۰.
۳۲. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، مصحح: غفاری، علی اکبر، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۲.
۳۳. ابن منظور محمد بن مکرم، لسان العرب، دارالفکر، الطبعة الثامنة، بیروت-لبنان، ۱۴۲۴ ه.
۳۴. امینی عبدالحسین، الغدير، الغدير للدراسات الاسلامیه، ۱۴۲۰.

۳۵. تمیمی آمدی محمد، تصنیف غررالحکم و درر الکلم، مصحح: مصطفی درایتی، دفتر تبلیغات، قم، ۱۳۶۶.
۳۶. الحر العاملی الحسن، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البيت، قم، ۱۳۶۷.
۳۷. حرانی ابن شعبه، تحف العقول، مترجم: احمد جنتی، مؤسسه امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۲.
۳۸.، تحف العقول، مصحح: غفاری، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۳، چاپ دوم.
۳۹. خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم، قم، ۱۳۸۱ ش.
۴۰. خوانساری آقا جمال، شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم و درر الکلم، مصحح: جلال الدین حسینی ارموی محدث، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۶، چهارم.
۴۱. الخوئی ابوالقاسم، مستندالعروة الوثقی، مكتبة الآداب فی النجف،
۴۲. شهید اول محمد بن مکی، ذکرى الشیعه فی احکام الشریعه، مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۱۹.
۴۳. الطبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، منشورات الشریف الرضی، الطبعة السادسة، قم، ۱۳۹۲.
۴۴. عسکری عبدالله، الفروق اللغویه؛ الفرق بین العلم و الفقه، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۷.
۴۵. الفاضل المقداد، کنز العرفان، المكتبة الرضویة، السیوری،
۴۶. الفراهیدی، احمد، کتاب العین، دارالکتب العلمیه، بیروت - لبنان، ۱۴۲۴ هـ.
۴۷. کلینی محمد بن یعقوب، الکافی، مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷، چهارم.

حکم فقهی مبارزه با اسراف در راستای تقویت اقتصاد ۱۱۷

۴۸. لثی واسطی محمد، عیون الحکم و المواعظ، مصحح: حسین حسنی بیرجندی، دار الحدیث، قم، ۱۳۷۶.

۴۹. مجلسی محمدباقر، بحار الأنوار، دار إحياء التراث العربي، بیروت، ۱۴۰۳، الطبعة الثانية.

۵۰. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام، مؤسسة التاریخ العربی، بیروت-لبنان ۱۴۱۲.

۵۱. نراقی، ملااحمد، عوائدالایام فی البیان قواعد الاحکام و مهمات مسائل الحلال

و الحرام، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷.

۵۲. نوری حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۸.

۵۳. وزّام بن أبی فراس، مجموعة وزّام، مكتبة فقيه، قم، ۱۴۱۰.

ج- روزنامه‌ها و مجلات

۵۴. روزنامه‌ی رسالت، ۱۳۷۴/۱/۱۶

۵۵. فراخوان رهبری، ۱۲-۱۴

۵۶. گزیده‌ای از پیام نوروز ۱۳۸۸ امام خامنه‌ای مدظله‌العالی